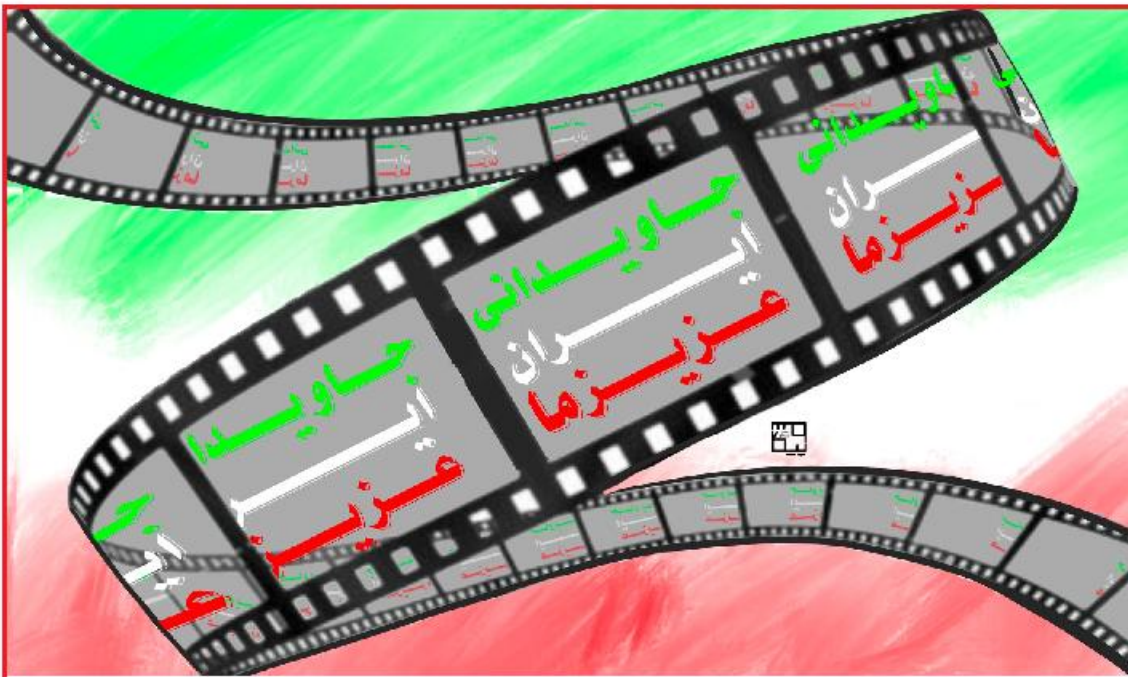




صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰ ۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



جاویدانی ایران عزیزما

بازیگری همه فن حریف

فراموش نشدنی عیدی در سال ۶۸ بود. او در این اثر با دو نقش «آقاخور خور» و «دزد» مقبل دوربین هنرنمایی کرد. سرلجام فیلم دوست دلشستی «ای ایران» دیگر اثر به یادماندنی این هنرپیشه برجسته در آن سال بود. عیدی در «ای ایران» نقش گروهیان «هک پندی» را بازی می کرد. کاراکتر ژاندارم بی سواد اینجا هم به خوبی اجرا شد. عیدی این بار جای تکیه کلام از تکرار یک حرکت به عنوان ترجیع بند نقش آفرینی اش بهره برد. او در چند نوبت پا روی پای برخی معترضان روستایی گذاشت و با کف دست ضربهای به پیشانی آن هابی زد. علاقه او به سینمای کودک و نوجوان باعث شد یک سال بعد در فیلم «سفر جادویی» ابوالحسن داودی نیز حضور یابد اما سال ۱۳۷۰ هم یکی دیگر از پرکارترین دوره های این هنرمند سینمای ایران بود. «لعلالدین شاه آکتر سینما» «سیرک بزرگ» «دل شدگان» و «مدرسه پیرمردها» چهار فیلم او در این برهه بودند. عیدی سال ۱۳۷۳ نیز در پنج فیلم حضور یافت اما از بین آن ها «تحفه هند» و «آدم برقی» بیش از بقیه در انظار علاقه مندان سینما باقی ماندند. بازی در «آدم برقی» را شاید بتوان یکی از شاهکارهای وی به شمار آورد. بازی او در دو نقش که اولی مرد «عباس خاکپور» و دیگری زن «درنا خاکپور» بود، این بازیگر را به محبوبیتی وصف نشدنی رساند. او سال ۱۳۹۰ یک بار دیگر در فیلم «خواهم می آید» نقش یک پیرزن (مادر رضا) را بازی کرد. جلب این که او برای بازی در نقش یک زن سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مکمل مردسی امین جشنواره فیلم فجر را کسب کرد عیدی یکی از معدود بازیگرانی بود که حتی با بالا رفتن سنش هم همواره مورد توجه کارگردانان سینما و تلویزیون قرار می گرفت. او در دهه ۸۰ و ۹۰ هم دوران پرکاری را پشت سر گذاشت. شاید بتوان «خراجی ها» اثر مسعود ده نمکی را در دهه ۸۰ و «رسوایی یک و دو» را در دهه ۹۰ جزو آثار برجسته او دانست. این هنرمند تمام نشدنی در تلویزیون هم نقش های ماندگاری بازی کرد. بازی در سریال «در خله» در نقش «پدر محسن» با تکیه کلام: «با اجازه صاحب خونه...» یکی از این آثار است. البته او پیش تر در «محلله برویا» و «باز مدرسم دیر شد» به ایفای نقش پرداخته بود. بی گمان عیدی یکی از برترین بازیگران تاریخ سینمای ایران است، چرا که او در هیچ نقشی و در هیچ جا، کم نیاورده است.

اوچ شهرت رسید بازی او در نقش «آقابقر» زمینی که بعد از بمب گذاری در بنگاه املاک با سر و صورت سیاه به خله بازمی گردد و مقبل در خله فریمه فرجامی را که اصلا حوصلش جای دیگری است از ترس شوکه می کند، بی نظیر بود. یک سال بعد عیدی در فیلم «غریبه» نقش «پرویز» را با هنرمندی تمام ایفا می کند. پرویز برادر زن بهرام پرتوی (مهدی هاشمی) بود که پس از بازنشستگی در نمایشگاه خودروپی که دارد به او کار می دهد اما روحیه بهرام با دلای و فرهنگ این شغل کاذب همخوانی ندارد و... عیدی با تکیه کلام «بسر امشینو با غریب غریاروش خط وخال نندازن» در این فیلم نشان داد از پس نقش های تپیک هم به خوبی برمی آید. (او یک دهه بعد این نقش را با کاراکتر «آبانی» در سریال «به سوی افتخار» تکرار کرد) یک سال بعد او در فیلم «لعلدین شاه آکتر سینما» نقش ژاندارم کم سواد را بازی می کرد و اینجا هم از تکیه کلام «مردیکه مشروطه چی» برای غنی ساختن کاراکتر ژاندارم بهره گرفت. سال ۱۳۶۸ خاطره انگیزترین دوران حرفه ای این بازیگر برجسته را رقم زد. او در این سال در چهار فیلم جاوی دوربین رفت که سه فیلم از این تعداد در سینمای ایران ماندگار شدند. عیدی در فیلم «مادر» علی حاتمی با نقش آفرینی بی بدیل عیدی در جان بخشیدن به کاراکتر «غلامحسین» یکی از جاودانه ترین بازی های خود را انجام داد. نبوغ عیدی در ایفای این نقش آنجا عیان شد که دوربین حاتمی، غلامحسین را در مرکز تولیدبخشی بیماران رولی و کنار دو بیمار واقعی نشان داد. جایی که انگار عیدی از آن دو نفر بیشتر درگیر ستروموش شده بود جمله «مادر مرد از بس که جان ندارد» هیچگاه از یاد تماشاگران فیلم «مادر» پاک نمی شود. او برای این نقش آفرینی، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد هشتمین جشنواره فیلم فجر را کسب کرد. «دزد عروسک ها» در گروه های سنی کودک به کارگردانی محمدرضا هنرمند، دیگر فیلم



یاسر سماوات - سلگورد تولدش مصادف است با اوایل آخرین ماه تابستان ۱۳۱۷ خورشیدی، هنگامی که دو خط شمال و جنوب راه آهن ایران افتتاح شد. این روز همچنین با تطبیق ۱۲۶ گوست، مصادف با تصویب اصول حقوق بشر در مجمع ملی فرانسه به سال ۱۷۸۹ (همزمان با انقلاب کبیر این کشور) و ملهم از اندیشه های «ژان ژاک روسو» مصادف است. اکبر عیدی، ستاره کم نظیر و پرفروغ سینما و تلویزیون ایران نیز چنین روزی یعنی ۴ شهریور سال ۱۳۳۹ خورشیدی در محله نازی آباد تهران دیده به جهان گشود. پدرش اردبیلی بود و با حقوق کارگری چرخ زندگی می گذراند و مادرش نیز تهرانی بود. جرقه بازیگری در ۹ سالگی وجودش را شعله ور می کند. شبی که او در یک مهمانی فلمیلی، ادای همه اعضای فلمیل را درمی آورد. مادرش چند روز بعد سه الگوپی را که تمام دارایی اش محسوب می شد، می فروشد و کمی هم از دو همسایه قرض می کند تا پسر مستعدش را در کلون فکری کودک و نوجوان نازی آباد ثبت نام کند. او در جولای در کارگاهی بیرون از شهر (جاده مشهد) به ترنکاری می پردازد. اما عمر او در این حرفه دو سال بیشتر نیست. فقط کافی بود زندنام رضایان با پرس و جو آدرس او را در بعد از ظهری دم گرفته از حرم آفتاب، نیاورانه پشت دستگاه ترنکاری پیدا کند. شاید اگر مخاطبان سری سوم مجموعه «زیر آسمان شهر» می دانستند نیم قرن پیش بین رضایان و عیدی چه گذشته خیلی خوب پژمردگی عیدی را پس از در گذشت تلنگام رضایان، درک می کردند. چند سال پس از انقلاب، اکبر عیدی با گروه کودک و نوجوان شبکه یک همکلی خود را آغاز می کند. «باز مدرسه ام دیر شد» مجموعه ای بود که وی سال ۱۳۶۲ با نقش «محسن» در آن ظاهر شد. «جنجال بزرگ» نخستین فیلم بلند عیدی بود که سال ۱۳۶۳ مقبل دوربین قرار گرفت. همان سال او در فیلم «مردی که موش شد» نقشی فرعی بازی کرد. دو سال بعد ابتدا در فیلم «همه ریت» کاری از حسین زندیاف به ایفای نقش پرداخت و سپس با کمدی «اجاره نشین ها» اثر ماندگار داریوش مهرجویی به

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir